

Study of Zoroastrian women in Iran and its impact on ethnic and national identity in contemporary times

Ramona Mohammadi ¹

Received Date:5Mar2022

Mohammadreza Sharifzadeh ²

Reception Date:22Apr2022

Abolfazl Davoodi Rokanabadi ³

Hossein Ardalani ⁴

Abstract

To distinguish and recognize various ethnicities and nations, their values including religion, believes, traditions, history, geography, education, business, and customs are studied. Dressing is the most salient manifestation for distinguishing ethnicities and studying nations. Many elements, including culture, believes, religious faith, traditions, customs, climate, public strategies and policies etc., affect dressing and development and evolution of its structures. Addressing dressing issues, this research investigates various dimensions including dressing and development of national and ethnic identities using dressing and the main contributor factor. Here, visual elements of female people from religious minorities were focused on. Also in relation to national and ethnic identity, we investigated that to what extent religious minorities consider dressing important. The research sample is consisted of Zoroastrian women .Results showed that Zoroastrians, as one of the Iranian religious minorities, with united dressing not only insist on conserving the ethnic identity, but also they have a robust national identity and pay more attention to their dressing

Keywords: dressing, Zoroastrians women, national identity, ethnical identity, identity building.

¹PhD student in the field of comparative and analytical history of Islamic art, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

²Professor and faculty member and director of the PhD Department of Art, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Tehran Branch(Corresponding Author) Moh.sharifzade@iauctb.ac.ir

³Professor and Faculty Member, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Yazd Branch:

⁴Assistant Professor and Faculty Member, Department of Art Philosophy, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Hamadan Branch

<https://dx.doi.org/10.30510/PSI.2022.332023.3181>

مطالعه پوشش زنان زرتشتی ایران و تاثیر آن بر هویت قومی و ملی در دوران معاصر

رامونا محمدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

محمد رضا شریف زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲

ابوالفضل داودی رکن آبادی^۳

حسین اردلانی^۴

چکیده

برای شناخت اقوام و ملل، معمولاً به بررسی و تحلیل ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، قومی و... می‌پردازند. پوشاک از نمودهای عینی فرهنگ هر جامعه است و مولفه‌های بسیاری مانند فرهنگ، اعتقادات، آداب و رسوم، اقلیم و آب و هوا و... بر شکل‌گیری و تغییر ساختارهای آن تاثیرگذارند. پوشش نیز نقش مهمی در هویت‌سازی دارد و هویت‌سازی از طریق پوشاک قومی و ملی در کلیت سرزمین ایران، حضوری گسترده دارد، مطالعه حاضر با اشاره به سرفصل‌های اساسی در این زمینه، باب بحث و تفحص در مورد هویت‌سازی به وسیله پوشاک را، مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقاله کوششی است برای مطالعه ویژگی‌ها و فلسفه استفاده از پوشاک در میان اقوام مذهبی و هویت‌سازی از طریق آن. همچنین میزان اهمیت پوشش زرتشتیان در بحث هویت‌سازی قومی و ملی مورد بررسی قرار گرفته است. زنان زرتشتی، جامعه آماری تحقیق را تشکیل و نتایج حکایت از آن دارد که زرتشتیان، به عنوان جامعه‌ای قومی-مذهبی، نه تنها گرایش بالائی به حفظ هویت قومی خود دارند، بلکه گرایش به هویت ملی نیز در آنها بالاست و همین امر سبب پای‌بندی آنان به پوشش قومی-مذهبی-شان و در نتیجه هویت‌سازی از طریق پوشاک شده است.

کلید واژه‌ها: پوشش، زنان زرتشتی، هویت ملی، هویت قومی، هویت‌سازی

^۱ گروه تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ عضو هیات علمی گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول) ادرس ایمیل: Moh.sharifzade@iauctb.ac.ir

^۳ عضو هیات علمی گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

^۴ عضو هیات علمی گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

پوشاک در آغاز شکل‌گیری اجتماعات بشری، صرفاً جنبه پوششی و حفاظتی داشته و برای مصون نگهداشتن بدن در برابر سرما و گرما و عوامل جوی به کار می‌رفته است؛ ولی بعدها با افزایش مهاجرت‌ها و نیز گسترش باورهای دینی-مذهبی و پیدایش قومیت‌ها، کارکرد اجتماعی و فرهنگی و نمادین پوشاک، برجسته‌تر و پوشش، از طریق عناصر بصری خود، معرف هویت قومی و ملی شد. پوشاک از راه مجموعه علائم و عناصر خود یک نظام ارتباطی-فرهنگی در میان مردم جوامع و اقوام مختلف برقرار می‌کند. اعضا و قومیت‌های هر جامعه نیز از راه نشانه‌های نمادین پوشاکی که به تن دارند، نه تنها میان خود نظام فرهنگی-هویتی ویژه‌ای برقرار می‌نمایند، بلکه با پوشاک خود از سایرین متمایز می‌شوند که شناخت این عناصر نهفته در پوشاک نقش مهمی در هویت‌سازی و استمرار آن برای نسل‌های بعد دارد.

هرگاه سخن از شناسایی، تفکیک یا تمیز قوم یا ملتی به میان می‌آید، نقش متمایزکننده «پوشاک» را در شناخت قوم‌ها به وضوح می‌توان دید. پوشش هر قوم و ملتی دارای ویژگی‌ها و عناصر ویژه‌ای است که از طریق نقوش، بافت، رنگ پارچه لباس‌ها، طراحی خاص آن، الگو، ریتم و ترکیب‌بندی این اجزا با هم شناخته شده و از طریق این ویژگی‌ها از پوشش سایر اقوام متمایز می‌گردد و مجموع این عوامل است که در کنار هم فلسفه پوشش را شکل می‌دهد. برای درک و فهم بهتر جایگاه پوشش در مسئله هویت‌سازی، باید ابتدا آن لباس را به عوامل و عناصر تشکیل دهنده آن که در بالا اشاره شد، تجزیه و سپس تحلیل نمود که هم سبب شناخت بهتر آن اقوام شده و هم شناسه هویتی آن اقوام در جوامع می‌گردد.

در مطالعات پوشاک از دیدگاه تاریخ اجتماعی، یکی از آخرین نظریه‌های ارائه شده نظریه «هویت قومی پوشاک» است؛ که در آن انواع خاص پوشش به عنوان شناسه بصری-هویتی گروه‌های قومی منظور می‌گردند. مثلاً لباس تقریباً یکسان کردها یا ترکمن‌ها یا زرتشتیان و ... به عنوان شناسه هویتی این اقوام در قالب این نظریه جای می‌گیرد. (بلوکباشی در ایرانیکا، ۱۳۸۲: ۱۷ و ۱۸) ایران کشوری با تنوع قومی و فرهنگی زیاد است. جوامع متنوع قومی، جوامعی هستند که گروه‌های فرهنگی، زبانی، مذهبی و نژادی گوناگونی را در خود جای داده‌اند. آنچه در اینگونه جوامع اهمیت دارد، ایجاد احساس دلبستگی و تعلق خاطر اقوام به هویت ملی و به دنبال آن دستیابی به وحدت ملی است. برخی از محققین عقیده دارند که تمایل به

^۱ . مقاله فوق مستخرج از رساله دکتری رشته تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی با عنوان «مطالعه تحلیلی مولفه‌های تاثیرگذار بر نظام ساختاری پوشش زنان اقلیت‌های مذهبی ایران در مراسم آئینی مذهبی» می‌باشد.

مؤلفه‌های فرهنگ و هویت قومی مانند پوشش، زبان و آداب و رسوم، مغایر با گرایش به هویت ملی است و برخی دیگر نیز بر این عقیده‌اند که تمایل به هویت ملی با برخی تمایلات قومی نظیر پوشش، آداب و رسوم و مذهب، مغایر نیست؛ زیرا هویت قومی در طول هویت ملی است نه در تقابل با آن. در ایران اقوام متعدد قومی و مذهبی از جمله زرتشتی‌ها زندگی می‌کنند. زرتشتی‌ها که در استان‌ها و شهرهای مختلفی ساکن‌اند؛ تاریخی قدیمی و مشترک با سایر ایرانیان داشته‌اند؛ که گاه با جنگ و نزاع و گاه نیز با اتحاد و همدلی و مبارزه علیه بیگانگان همراه بوده است. در این مقاله سعی شده تا مقوله پوشاک و فلسفه آن و نیز ارتباط عناصر پوشش با هویت‌سازی و ابعاد هویتی مقوله لباس زنان زرتشتی و عوامل تأثیرگذار بر آن پرداخته شود. با توجه به اینکه هویت‌سازی از طریق پوشش قومی و ملی در کلیت سرزمین ایران، حضوری گسترده دارد، می‌توان اذعان نمود که پوشش ملی در فرهنگ ایرانی، مصداق «هویت ملی ایرانی» و پوشش قومی در فرهنگ ایرانی، مصداق «هویت قومی» است. از این رو در طرح مسأله هویت‌سازی از طریق عناصر پوشاک، باید پوشش را به مثابه عاملی تأثیرگذار در بحث هویت پذیرفت؛ در نتیجه تمام عوامل تأثیرگذار بر مقوله پوشش بر هویت و تمام عوامل تأثیرگذار بر هویت، بر پوشش نیز تأثیرگذار خواهند بود و می‌توان این دو را، یعنی هویت و پوشش، را در یک گروه و متأثر از هم دانست و با شناخت پوشش هر قوم و ملتی به خوبی می‌توان به هویت آن ملت نیز دست یافت. البته از آنجایی که پوشاک یکی از تأثیرگذارترین و تأثیرپذیرترین جلوه‌ها و نمودهای فرهنگی است که به راحتی تحت تأثیر عوامل فرهنگ‌پذیری قرار می‌گیرد، با استفاده سودجویانه از آن حتی می‌توان هویت ملی و قومی را به گونه‌ای دیگر نمایاند و از آن استفاده سو نمود و همین امر ضرورت پرداختن به فلسفه پوشش در میان هر قوم و هویت‌سازی از طریق آن پوشش را آشکار می‌سازد.

به نظر می‌رسد که مولفه‌های بسیاری مانند فرهنگ و باورها، اعتقادات مذهبی، سنت و اقلیم و... هر یک بر شکل‌گیری و یا تغییر ساختارهای پوشش، بخصوص پوشش قومی تأثیرگذار هستند و تمام عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری پوشاک در شکل‌گیری هویت نیز مؤثرند. همچنین فرهنگ غنی ایران که هویت ملی را شکل می‌دهد، بر پوشاک اقوام نیز تأثیری داشته است. زیرا در یک سرزمین با فرهنگ و قومیت‌های مختلف، همواره فرهنگ و هویت قدرتمندتر و غنی‌تر، هویت قومی را با خود همراه کرده و یا تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه پوشاک زنان زرتشتی که سازنده هویت قومی آنان است تحت تأثیر هویت ملی ایران، امروزه کمتر کاربرد دارد.

در این میان، سوالاتی از ابتدای مسیر در ذهن وجود داشت که سعی شد برای آنها پاسخی شایسته ارائه گردد. برخی از این سوالات عبارت بودند از اینکه عناصر تشکیل‌دهنده پوشش

زنان زرتشتی، که از طریق این ویژگی‌ها پوشش آنان از پوشش سایر اقوام متمایز می‌شود چه هستند؟ عوامل موثر بر شکل‌گیری پوشش زنان زرتشتی که فلسفه پوشش آنان را شکل می‌دهند، چه عناصری هستند که این عوامل بر شکل‌گیری هویت قومی، تأثیر مثبت و بر هویت-ملی تأثیری معکوس دارند؟ مولفه‌های تأثیرگذار بر ساختارهای هویتی در عرصه پوشاک، بخصوص در پوشش زنان چه عواملی هستند و کدامیک در عرصه پوشاک زنان زرتشتی در دوران معاصر بیشترین تأثیر را داشته‌اند؟

روش پژوهش

در این پژوهش روش تحقیق از نوع تفسیری-کیفی است که در آن مباحث هویتی-بصری لباس زنان زرتشتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش گردآوری مطالب در آن به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی بوده و برای رسیدن به نتیجه بهتر، به تحلیل ویژگی‌ها و فلسفه پوشش زنان زرتشتی براساس ویژگی‌های فرهنگی و هویتی این قوم، پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

در بررسی‌های انجام شده درباره هویت قومی و هویت ملی مشخص شد که پژوهش‌های بسیاری انجام شده اما در زمینه عناصر و فلسفه پوشش زنان و هویت‌سازی از طریق پوشاک، مشخص گردید که هیچ یک از این آثار به موضوع فلسفه پوشش زنان و ارزش‌های نمادین و هویتی آن توجهی نداشته‌اند و پژوهشی که به ارتباط بین مسئله هویت ملی و قومی و مسئله پوشاک اقوام اقلیت مذهبی زرتشتی پرداخته باشد و یا پوشش قومیت خاصی را بررسی نموده باشد، دیده نشده و تلاش حاضر شاید که نخستین گام در انجام این مهم باشد.

- حاجیانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام» به این نتیجه رسیده که هر دو نوع هویت در میان اقوام ایرانی دیده می‌شود و بین ابعاد هویت قومی و ملی رابطه‌ای مثبت و تأثیرگذار وجود دارد.
- موسوی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «پوشاک محلی بلوچ‌ها و پیوستگی آن با هویت ملی» به پوشاک محلی بلوچ‌ها و ارتباط آن با نوع زندگی‌شان و خصوصیات پوشاک آنها و معرفی آن پرداخته است.
- الهی (۱۳۸۹) در مقاله «لباس به مثابه هویت» بیشتر به مباحث رنگ و نشانه‌شناسی پوشاک و ارتباط آن با مسئله هویت‌سازی و بحث هویت در پوشاک ملی پرداخته است.

تعاریف هویت، هویت ملی، هویت قومی

«هویت» یعنی کیفیت یکسان داشتن در هر زمان و در همه شرایط و هویت داشتن یعنی یگانه بودن. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۴) هویت از عناصر گوناگونی تشکیل شده که در ساختار آن

نقش مهمی دارند. این مؤلفه‌ها شامل دین، زبان، جغرافیا، فرهنگ و پوشش و... بوده که در کنار یکدیگر بنیان هویت یک ملت را شکل می‌دهند. یکی از مهمترین مؤلفه‌های بصری مرتبط با هویت، پوشش است که بی‌شک با ویژگی‌های خود با دیگر عناصر، ارتباطی تنگاتنگ دارد. برای درک عملکرد مؤلفه‌ها و فلسفه پوشاک در هویت‌بخشی اقوام و قومیت‌ها لازم است که ابتدا با مفهوم هویت ملی و هویت قومی و تاثیرات پوشاک در شکل‌گیری آنها آشنا شویم.

«هویت ملی» مجموعه‌ای از مشخصه‌های بصری است که سبب تفاوت جوامع ملی از یکدیگر می‌شود. هویت ملی فراگیرترین هویت اجتماعی در سطح جامعه و عبارت است از مجموعه ویژگی‌ها و عناصر بصری و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، حماسی و قومی، که اعضا جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کنند. (روح‌الامینی، ۱۳۸۳: ۲۲) هویت ایرانی نیز دارای عناصری است که با آن شناخته می‌شود. برخی نمادهای ملی چون پرچم، سرود، زبان فارسی، حجاب، عید نوروز، اسطوره‌ها و مانند آن، معرف کشوری به نام ایران هستند که با آنها هویت ملی ایرانی-اسلامی شناخته می‌شود.

«هویت قومی» در مرتبه پائین‌تری از هویت ملی قرار دارد. هویت قومی نیز از نوع هویت اجتماعی و مجموعه خاصی از عوامل و عناصر بصری، فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی است که در یک گروه قومی متجلی شده و آن را نسبت به دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد. (الطائی، ۱۳۸۲: ۱۵۸) اما در این نوع هویت، روابط عاطفی اعضا بیشتر است. به عنوان مثال در جامعه آماری مورد بحث، زرتشتی‌ها دارای ویژگی‌ها، عناصر بصری و شاخصه‌های خاص قومی خود هستند که آنها را از سایر اقوام متمایز می‌سازد. هرچند ممکن است برخی از این شاخصه‌ها به گونه‌ای مشابه در اقوام دیگر نیز دیده شود، ولی قرارگرفتن آنها در کنار هم، تنها معرف قومی با نام زرتشتی است. پوشش خاص، آئین زرتشت و مانند آنها مواردی‌اند که یادآور این قوم هستند.

عواملی که در شکل‌گیری قوم‌گرایی و هویت قومی موثر هستند عبارتند از:

- **ایجاد بسیج قومی:** وقتی اعضای گروه‌های قومی برای خود جایگاهی فروتر از اکثریت جامعه متصور شوند، این تصور منجر به نارضایتی و عاملی برای همبستگی بیشتر قومی و سبب نوعی ناسیونالیسم قومی می‌گردد. (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۷۱) در این حال اقوام اقلیت در برابر اکثریت جامعه برای کسب قدرت سیاسی و اجتماعی، با تکیه بر عناصر بصری موجود در قوم خود و بزرگ جلوه‌دادن موارد کوچک تبعیض مانند پوشش قومی، تلاش می‌کنند برای دستیابی به منافع قومی خود، دست به بسیج قومی زده و با بهره‌گیری از مذهب، پوشش، سنت، نماد، زبان و گویش به خلق ناسیونالیسم قومی

بپردازند. (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۸۵) در واقع جوامع قومی برای دستیابی به برخی منافع و با بهره‌گیری از احساسات قومی و تاکید بر عناصر شاخص بصری خود چون زبان، مذهب، پوشش و ... دست به تحریک قومی می‌زنند، تا با کمک ناسیونالیسم قومی ایجاد شده، هویت بصری خاص قوم خود را ایجاد کنند.

- احساس محرومیت نسبی: یکی دیگر از عوامل شکل‌گیری قوم‌گرایی، احساس محرومیت نسبی است. (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۰۴) وقتی اعضای گروه‌های قومی برای خود جایگاهی فروتر از دیگر اقوام متصور شوند، این امر منجر به نارضایتی و عاملی برای همبستگی بیشتر قومی و گاه سبب شکوفایی می‌گردد. بنابراین، احساس محرومیت قابلیت تبیین بالایی در بررسی رابطه هویت ملی و قومی دارد.

مولفه‌های هویت ملی و قومی و ارتباط آنها با قوم زرتشتی

- برای سنجش هویت ملی، چهار مؤلفه در نظر گرفته شده که شامل فرهنگ ملی، زبان ملی، سرزمین ملی و تاریخ ملی می‌باشد. (قنبری و جعفرزاده‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰-۱۲)
- لازم است که ارتباط هر یک از این چهار مؤلفه در زندگی زرتشتیان مورد بررسی قرار گیرد:
- از عناصر فرهنگ ملی که مورد توجه زرتشتیان می‌باشد می‌توان به پرچم کشور، استفاده از پوشش رسمی در مواقع عادی (غیر از مراسم‌های رسمی و دینی)، مراسم‌های ملی چون نوروز، شب یلدا و ... که میان مسلمانان و زرتشتیان مشترک است، اشاره نمود.
 - علاقه به زبان فارسی، که به‌عنوان زبان رسمی و ملی کشور، در بین زرتشتی‌ها نیز استفاده می‌شود.
 - عشق به سرزمین، یکی از ابعاد اصلی هویت ملی است. بررسی‌ها نشان داده که زرتشتیان خود را از سایر ایرانیان جدا ندانسته و به‌عنوان یک ایرانی علاقه زیادی به سرزمین مادری خود دارند.
 - تاریخ ملی کشور نیز در میان زرتشتیان جایگاه مهمی دارد؛ به‌طوری‌که آنان تاریخ کشور را سرنوشت مشترک خود و سایر ایرانیان می‌دانند و به حفظ آن علاقمندند.
- برای سنجش میزان گرایش به هویت قومی نیز چهار مؤلفه در نظر گرفته شده که شامل فرهنگ قومی، زبان قومی، مذهب قومی و تاریخ قومی می‌باشد. (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۳۵) که در زندگی زرتشتیان مورد بررسی قرار می‌گیرد:
- زرتشتیان نسبت به فرهنگ، سنن و پوشش قومی خود حساسیت فراوانی داشته و عادات و فرهنگ‌های قومی در مراسم‌های آنان جاری است. زنان زرتشتی در جشن‌ها و مراسم از لباس‌های قومی خود که حاوی عناصر بصری هویتی قومشان است، استفاده

می‌کنند. آنان پای‌بندی خاص و همراه با تعصبی به آداب و رسوم فرهنگی و پوشش قومی خود دارند و می‌توان به این نتیجه رسید که آنان نسبت به جنبه‌های مختلف میراث فرهنگی و عناصر بصری قوم خود (پوشش متحدالشکل) اهمیت فراوانی قائل بوده و سعی در حفظ آن دارند.

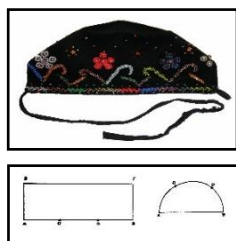
- زبان زرتشتی نیز از ارکان مهم موجودیت اجتماع زرتشتی به شمار آمده و آنان به این عنصر مهم قومی، علاقه شدیدی دارند.
- پای‌بندی به ارکان دین زرتشت و انجام مراسم مذهبی برای زرتشتیان اهمیت بسیاری دارد.
- به همان میزان که ایرانی‌بودن برای زرتشتیان اهمیت دارد، تاریخ قومی و زرتشتی بودنشان نیز برایشان مهم و نسبت به آن تعصب دارند.

پوشش زنان زرتشتی در دوران معاصر و هویت‌سازی قومی

برای تحلیل بهتر بحث هویت‌سازی از طریق پوشاک، لازم است که ابتدا به فلسفه و جایگاه پوشش در قوم اقلیت مذهبی زرتشتی، اشاره شود. همان‌طور که می‌دانیم [زرتشتیان](#) یک اقلیت مذهبی در ایران هستند، که دین زرتشتی را باور دارند. این دین، یکی از قدیمی‌ترین ادیان جهان است که از آموزه‌های رهبر دینی ایرانی، [زرتشت](#)، سرچشمه می‌گیرد. تأثیر مذهب و فلسفه زرتشتی در زندگی فردی و اجتماعی زرتشتیان و نیز در پوشاکشان بخوبی نمایان است. حضور شریعت زرتشت در آئین‌ها و مناسک مختلف آنان، نشان از جایگاه این دین در زندگی فردی، اجتماعی و مذهبی آنان دارد. این دین از حدود ۶۰۰ ق.م تا ۶۵۰ م، دین رسمی شاهنشاهی‌های باستانی ایران بود؛ تا اینکه در نهایت با [ورود مسلمانان به ایران](#) جایگاه خود را از دست داد و از آن پس قوانین تبعیض‌آمیزی علیه زرتشتیان وضع شد. زرتشتیان غیر از ایران که زیستگاه اصلیشان به شمار می‌آید، در [هند](#) و [کردستان عراق](#) نیز ساکن‌اند. در ایران زرتشتیان بیشتر در شهرهای یزد، کرمان، تهران، اصفهان، شیراز و اهواز در جوار مسلمانان زندگی مصالمت‌آمیزی دارند و با فرهنگ خاص خود با هم زندگی می‌کنند. (نیکنام، ۱۳۹۲: ۱۶ و ۱۵) البته زرتشتیان به لحاظ فرهنگ و آداب و سنن زندگی، با سایر ایرانیان تفاوت‌هایی دارند. هر چند این تفاوت‌ها در سال‌های اخیر کمرنگ‌تر شده، ولی آنان بسیاری از خصلت‌های فرهنگی، سنتی و قومی خود را همچنان حفظ نموده‌اند. البته زرتشت در مورد لباس و پوشش پیروانش دستور صریحی نفرموده و تنها در حفظ عصمت و پاکدامنی مرد و زن توصیه اکید داشته است. (آشتیانی، ۱۳۷۳: ۸۱ و ۸۲) پس از آمدن اسلام به ایران، احکامی در خصوص وضع ظاهر و البسه زرتشتیان گنجانده شد و علمای اسلام مقرر کردند که زرتشتیان و سایر

غیرمسلمانان نباید در لباسی که می‌پوشند، شبیه مسلمانان باشند؛ بلکه باید کمربندی واضح ببندند و لباس‌هایی متمایز بپوشند که آنها را متفاوت با مسلمانان نشان دهند و حتی از پوشیدن بالاپوش ابریشمی، کفش و جوراب عربی نیز منع شدند (چوکسی، ۱۳۸۱: ۱۶۲) بدین- شکل لباس زرتشتیان از مسلمانان متمایز و فلسفه دین زرتشت و نیز قوانین اسلام، سبب شکل‌گیری فلسفه پوششی خاصی در میان زرتشتیان و به دنبال آن نوع خاصی از پوشش در میان آنان گردید که متأثر از موازین و احکام دین زرتشت بود و تفاوت‌های قومیتی و مذهبی در لباس آنان بخصوص لباس زنان زرتشتی هویدا شد. نوع پوشش زنان زرتشتی در جشن‌ها و مراسم دینی برخلاف مردان، محفوظ مانده و به آنان در مقایسه با دیگر زنان ایرانی هویت خاصی بخشیده است. پوشاکی که بانوان زرتشتی تا به امروز با تغییراتی جزئی از آن استفاده می‌کنند عبارتند از:

- **کلاهک، عرق‌چین:** اولین جزء سربند زنان زرتشتی که از پارچه‌های الوان تهیه می‌شود. (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۲۶۴) جلوی پیشانی قرار گرفته و کاملاً موها را پوشانده و در زیر روسری قرار می‌گیرد. (تصویر ۱ و ۲ و ۳)

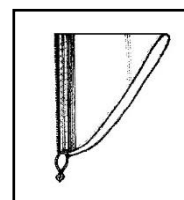


تصویر ۳ و ۲: کلاه و طرح خطی کلاه، نگارنده



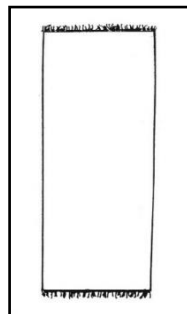
تصویر ۱: کلاه، منبع: نمیرانیان، ۱۳۹۱: ۶۵

- **لچک:** سربندی مثلثی است که زنان زرتشتی، به جای کلاهک، بر سر می‌کنند. (نمیرانیان، ۱۳۹۱: ۹) (تصویر ۴ و ۵ و ۶)



تصویر ۴: طرح خطی لچک، نگارنده تصویر ۵: لچک، منبع: نمیرانیان، ۱۳۹۱: ۶۵ تصویر ۶: لچک، منبع: دانشور، ۱۳۷۶: ۱۸

- روسری: از نظر فلسفه دین زرتشت بر مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم دینی، سر را بپوشانند. روسری بانوان زرتشتی پارچه‌ای رنگین و پرنقش است که روی کلاهک یا لچک بسته می‌شود. البته این روسری غالباً به اندازه بلندی قد مصرف‌کننده تهیه شده و پهنای آن هم متناسب با چاقی و لاغری پوشنده تغییر می‌کند، این پوشش «مکنا» (Makna) نام دارد و باید به گونه‌ای پوشیده شود که به هیچ‌وجه موهای سر از سرپوش بیرون نباشد. (آشتیانی، ۱۳۷۲: ۹۳) مکنا تک‌رنگ و گاه طرح‌دار و دارای ریشه‌های زرد و سبز و سیاه و جنس پارچه آن را نیز معمولاً از نوعی انتخاب می‌کنند که سر نخورد. (Unvala, 1951: 4) مکنا سر و گوش‌ها را پوشانده و فقط قرص صورت پیداست و موهای سر کاملاً پوشیده می‌شود. قسمت جلوی مکنا نیز سینه را پوشانده و دو گوشه آن نیز از پشت شانه تا ساق پاها آویزان می‌باشد. (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۳) استفاده از مکنا به گونه‌ای است که کاملاً سر، پشت و جلو بدن را محفوظ نگه می‌دارد و از جلو بر روی دست افتاده و تا بالای مچ دست را می‌گیرد. و در نتیجه مانند چادر است و تمام برجستگی‌ها و فرورفتگی‌های بدن را می‌پوشاند؛ البته فلسفه استفاده از مکنا با چادر مسلمانان متفاوت است. رنگ مکنا نیز فلسفه‌ای خاص و در خود نشانه‌ها و علاماتی را به همراه دارد؛ به عنوان مثال مکنا سبز و قرمز، نشان از تجرد و مکنای قهوه‌ای و سبزینه نماد تأهل هستند. «کیش»، مکنایی حاشیه‌دار است و رنگی زرشکی دارد و «دارایی» مکنایی سبز رنگ است که بر سر عروس انداخته می‌شود. (تصویر ۷ و ۸ و ۹)



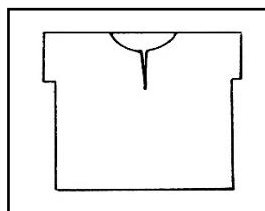
تصویر ۷: مکنّا، منبع: نمیرانیان، ۱۳۹۱: ۱۳ تصویر ۸: طرح خطی مکنّا، نگارنده تصویر ۹: مکنّا، منبع: ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۲۶۳

- **چارقد:** دستمالی کلاغی یا سفید است که به عنوان حجاب برای دختران زرتشتی مرسوم بوده اما امروزه منسوخ شده است. در گذشته بانوان زرتشتی برای استوارماندن مکنّا و برای محکم کاری بیشتر آن را لچکی کرده و به شکل عمامه بر روی مکنّا می بستند تا مکنّا جابه جا نشود؛ البته کارکرد دیگر چارقد، محافظت سر و گردن از سرما بود. (دانشور و بهنام، ۱۳۷۶: ۱۸) (تصویر ۱۰ و ۱۱)



تصویر ۱۰: چارقد، منبع: Britishmuseum.org، زمان دریافت ۱۴۰۰/۵/۲۵ تصویر ۱۱: چارقد، منبع: دانشور و بهنام، ۱۳۷۶: ۱۸

- **زیر پیراهن:** پیراهن زیری بانوان زرتشتی، پیراهنی با آستین و قدی کوتاه و یقه ای چاکدار است که «سدره» (Sedreh) نامیده شده و در زیر پیراهن روی پوشیده می شود. سدره از ۹ پاره پارچه کتان سفید دوخته شده و جامه دینی زرتشتیان محسوب می شود که

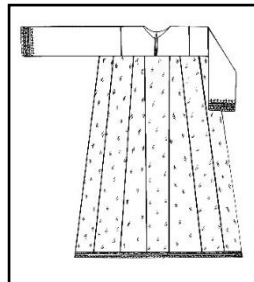


پسر و دختر، پس از رسیدن به سن ۱۵ سالگی، باید آن را بپوشد. (نیکام، ۱۳۸۱: ۱۷۳) سدره و سفیدی آن، نشانه آن است که زرتشتیان باید اندیشه، گفتار و کردار خود را پاک نگه داشته و درکل سدره نشانه پاکی تن است. جشن سدره پوشی رسمی، که اینک به دست روحانی و برای همه بچه ها، به ویژه در شهرهای بزرگ انجام می گیرد، در گذشته این شکل پوشاندن سدره بر کودکان، با جشن رسمی، عمومیت نداشت و اغلب پدر بر تن فرزند سدره را می پوشاند (مزدآپور، ۱۳۸۳: ۱۶۴ و ۱۶۵) البته پوشیدن سدره چون جنبه ظاهری نداشته و تنها نوعی لباس زیر محسوب می شود، به تدریج کم تر شده و کارکرد خود را از دست داده است. (تصویر ۱۲ و ۱۳)



تصویر ۱۲: سدره، منبع: lebasparsir.ir، زمان دریافت ۱۴۰۰/۵/۲۵ تصویر ۱۳: طرح خطی سدره، منبع: ضیاپور، ۱۳۴۶: ۲۶۴

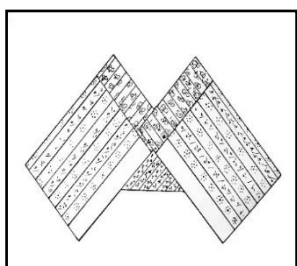
- **کمر بند دینی:** کمر بند باریک و سفیدی از پشم گوسفند بافته شده است که «کشتی» (koshti) نامیده شده و بر روی سدره بسته می‌شود و نخستین بار موبد آن را به کمر هر زرتشتی می‌بندند. کشتی از ۷۲ نخ بافته می‌شود؛ که نماد ۷۲ بخش یسنا است و به نشانه صلح‌خواهی به کمر بسته می‌شود. این کمر بند سه بار به دور کمر می‌گردد و نشانه کمر بستن به بندگی خداوند و آماده برای پیروی از دستورات خداوند است. (آشتیانی، ۱۳۷۳: ۹۳) در گذشته، سدره و کشتی همواره پوشیده می‌شد و در هنگام خواندن نماز، آن را با قاعده‌ای معین و آیینی، باز و دوباره می‌بستند و به اصطلاح «کشتی‌نو» می‌کردند. گاهی نیز، زنان سالخورده، به جای بستن کشتی بر کمر، آن را به صورت حمایل از روی شانه و کنار گردن می‌آویختند؛ که امروزه این شیوه حمایل بستن کشتی، پوشیدن سدره و کشتی دیگر متداول نیست. (مزدآپور، ۱۳۸۳: ۱۶۴ و ۱۶۵)
- **پیراهن رویی:** پیراهن رویی زنان زرتشتی پیراهنی فراخ و گشاد است که «خَمیس» (Khamis) نامیده می‌شود. آستین‌هایی راسته، سرآستینی حاشیه‌دار و یقه گرد و چاک‌دار دارد. دامن این پیراهن بلند بوده و از زیر سینه تا به پایین، همچون شلوار، از تکه پارچه‌های عمودی باریک و رنگارنگ و البته بیشتر از پارچه‌های سبز و قرمز رنگ تهیه می‌شود. (ضیاپور، ۱۳۶۵: ۲۶۴) بلندی این پیراهن تا حدود ساق پاها بوده و از پاچه‌های اطلس دوخته می‌شود. (صادقی و نجفی، ۱۳۹۹: ۱۴) (تصویر ۱۴ و ۱۵)



تصویر ۱۵: طرح خطی، منبع: ضیاپور، ۱۳۴۶: ۲۶۵



- شلوار یا شوال: این شلوار لیفه‌ای و با بند به دور کمر و مچ پا جمع می‌شود. از جنس کتان و پنبه بوده و از قسمت لیفه کمر به پائین حدود ۱۵ سانتی‌متر از پارچه‌ای متفاوت با پارچه ساق شلوار دوخته و ساق‌های شلوار را به بجای یک تکه بودن، از تکه پارچه‌های باریک، رنگارنگ و نقش‌دار ترکیب و پهلوی هم دوخته و به شکل ساق شلوار در می‌آورند. (M.E.Hume-Griffith, 1909:127) (تصویر ۱۶ و ۱۷ و ۱۸)



تصویر ۱۸: طرح خطی شلوار، منبع: ضیاپور، ۱۳۴۶: ۲۶۸



تصویر ۱۷: شلوار، منبع: Turkotek.com، زمان دریافت ۱۴۰۰/۵/۱۸

پوشاکی که بانوان زرتشتی از آن استفاده می‌کند شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان دیگر نقاط دارد؛ چنانکه روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده نظیر روسری بانوان بختیاری و پیراهنی شبیه پیراهن بانوان لر و شلواریشان، از لحاظ شکل و برش، همان شلوار بانوان کرد آذربایجان غربی و کلاهکشان نیز همان کلاهک بانوان بندری می‌باشد. اما وقتی کل این مجموعه در کنار هم پوشیده می‌شوند هویتی می‌سازند، به نام «هویت قومی زرتشتی» که سبب تمایز این گروه مذهبی از سایر اقوام می‌گردد و اینجاست که فلسفه پوشش ایجاد می‌شود و پوشاک با زبان خود هویت‌سازی می‌کند.

هویت‌سازی ملی از طریق پوشاک ملی

وقتی یک فرد به یک جمع، یک جمع به یک گروه و یک گروه به یک ملت تبدیل می‌شود، «هویت‌سازی ملی» شکل می‌گیرد. برخی نژاد، برخی زبان، برخی دین، برخی جغرافیا و برخی پوشاک را معیار این هویت‌سازی می‌دانند. (متین، ۱۳۸۳: ۷) پوشش با توجه به ویژگی‌های خود، به عنوان موقعیتی است که، به افراد هویت می‌بخشد. این عناصر پوششی در گروه‌های قومیت‌گرا، هویت‌های مختلفی را ایجاد می‌کند و در بسیاری از جوامع، پوشش عاملی می‌شود برای برقراری ارتباط و هویت‌سازی. (Ellen Roach-Higgins, B. 1992:6)

Eicher, پوشاک مجموعه‌ای از نشانه‌ها و علائم بصری است که در کنار هم، نظامی واحد را به منظور القای هویتی خاص و جمعی (هویتی بصری) شکل می‌دهند. بی‌تردید هریک از این نشانه‌ها در پوشاک سبب «هویت سازی» می‌شوند. (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۱۷) مقوله پوشاک یکی از عناصر مهم در هویت‌سازی است که در صورتی که جنبه ملی پیدا کند و تمامی اقشار جامعه با هر قومیتی آن را برگزینند، سبب اتحاد در همه‌پوشی و نهایتاً سبب «هویت‌سازی ملی» می‌گردد. استفاده زنان از حجاب اسلامی در ایران، مثال محسوسی در این زمینه است.

هویت‌سازی قومی از طریق پوشاک قومی

گروه قومی، گروهی هستند با سنت فرهنگی و قومی مشترک و نیز دارای هویتی قومی؛ که این هویت قومی آنان را به عنوان یک گروه فرعی از دیگر گروه‌های آن جامعه متمایز می‌کند. هویت قومی متکی بر عواملی چون آداب و رسوم، زبان، دین، نژاد و حتی پوشش آن اقوام است. اعضای هر گروه قومی، از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی، هویتی و گاه پوشش، متمایز از سایر اعضای جامعه خود هستند. فرهنگ و قومیت، رابطه بین لباس و ظاهر و جذب‌کنندگی افراد را پشتیبانی می‌کند. تفاوت در شاخص‌های جذبه شخصی، اقلیم، زبان و مذهب با ویژگی‌های لباس و ظاهر هر فرد مرتبط بوده و سبب بروز تفاوت‌هایی در لباس افراد می‌گردد. افرادی که در جامعه سطح جذب کمی دارند، در مقایسه با افرادی که سطح جذب بالایی دارند، از لباس‌های قومی بیشتر استفاده می‌کنند. (Forney 2019: 49-50) در واقع در جوامع قومی که مردم الگوها و عناصر مشترک دینی و فرهنگی و ... دارند، نوعی انسجام در کلیه رفتارهای فرهنگی و از جمله پوشاکشان دیده می‌شود و آنان را مقید به داشتن پوشش قومی یکسانی نموده (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۲۰) که همه متاثر از الگوها و عناصر فرهنگی و پوششی متداول در میان مردم آن قوم بوده و با ملاک‌های قومیشان تطابق دارد.

در ایران گروه‌های گوناگون زبانی یا مذهبی، که در تحقیقات قومی از آنها به عنوان گروه-های قومی یاد می‌شود، ملت‌هایی مشخص و متمایز از ساکنان اصلی ایران زمین نبوده‌اند که از سایر نقاط جهان به این منطقه مهاجرت کرده باشند. برعکس، تمامی این گروه‌های مختلف مذهبی و زبانی در طول سالیان سال در کنار هم جامعه بزرگ ایران را تشکیل داده و در طول مدت مدید سکونتشان در ایران، تجربیات تاریخی و میراث فرهنگی واحدی به دست آورده‌اند. (احمدی، ۱۳۸۴: ۳۱ و ۵۱) به همین دلایل است که در کشورهای چند قومی از جمله ایران، تلاش برای ایجاد یا تقویت احساس همبستگی و هویت قومی در میان اقوام اقلیت، با حفظ و تاکید بر داشتن پوششی متحدالشکل با عناصر بصری قومیشان مورد توجه است. پوشش اقلیت‌های قومی و مذهبی چیزی است که یک اقلیت بدان متوسل می‌شوند، تا در دل پوشش اکثریت جامعه، هم قومیت خود را با آن معرفی کند و هم خود را از سایر اقشار و قومیت‌های

آن جامعه متمایز سازد. در واقع همان اندازه که زبان و دین، گروه‌های قومی (مانند کرد و ترک و بلوچ و ...) و گروه‌های مذهبی (زرتشتیان، مندائیان و ...) را از یکدیگر جدا و متمایز می‌کند، عناصر بصری پوشاک سنتی و قومی نیز آنها را از هم متمایز می‌سازد. بنابراین همچنان که می‌توان با تغییر زبان یک قوم، هویت قومی را تغییر داد و از میان برد، از راه تغییر در لباس و پوشش اقوام نیز می‌توان از آنها هویت زدایی کرد. این شیوه پیام‌رسانی از طریق پوشاک، منجر به «هویت‌سازی قومی» می‌گردد؛ بنابراین پیوستگی یک فرد یا یک جمع به ارزش‌های قومی، از طریق پوشش، می‌تواند در واقع گونه‌ای پیام‌رسانی بصری برای اعلام هویت قومیش باشد. این شیوه پیام‌رسانی و استفاده از پوشاک محلی و قومی در مکان‌های اجتماعی، وسیله‌ای برای مقابله با هویت ملی آن جامعه است؛ که بسیاری پیام‌های سیاسی، اجتماعی، قومی و حتی فریادهایی را نیز با خود به همراه دارد. به عنوان مثال استفاده زنان و مردان ترکمن و کرد و قشقایی و ... از لباس‌های محلیشان در شهرهای غیربومی، همگی نمونه‌هایی هستند که در آنها اقوام از زبان بصری پوشاک برای تجلی هویت‌سازی قومیشان استفاده می‌نمایند.

- در کل با ورود اقوام اقلیت به یک جامعه جدید، بزرگ‌تر و غیربومی یکی از تقسیم‌بندی‌های سه‌گانه زیر در مورد تأثیرات هویتی-فرهنگی بر مقوله پوشاک آنان اتفاق خواهد افتاد:
- صفات فرهنگی بیرونی مانند مقوله پوشاک، با تماس با جامعه غالب و بزرگ‌تر به سرعت از بین می‌روند.
 - اگر افراد از مرحله اول جذب در یک جامعه جدید هم از لحاظ فرهنگی تغییر نکنند، صفات فرهنگی و بصری بیرونی آنان (پوشاک) به میزانی کم و به ندرت حفظ خواهند شد.
 - هنگامیکه افراد از طریق جذب ساختاری پیشرفت کنند، صفات فرهنگی و بصری بیرونی حذف می‌شود. (Bong Ko, Jin2017:82)

هویت‌سازی پوشاک

برای درک مسئله هویت‌سازی در عرصه پوشاک باید ابتدا هویت بصری یا دیداری را تعریف و سپس تأثیر آن را در زمینه پوشش و در هویت‌سازی تعمیم داد. هنرهای بصری یا دیداری، هنرهایی مبتنی بر حس بینایی هستند و در ذات خود عناصری دارند که آنان را قابل دیدن می‌کند. هنرهای مختلف هر کدام اصول، مبانی و عناصر بصری خاص خود را دارند. پوشش نیز از مبانی بصری خاص خود سود می‌جوید. در واقع پوشش هر قوم و ملتی دارای ویژگی‌ها و عناصر دیداری ویژه‌ای است که از طریق نقوش، بافت و رنگ پارچه لباس‌ها، طراحی خاص و منحصر به فرد آن جامعه و ترکیب‌بندی این اجزا با هم، شناخته شده و از

طریق این ویژگی‌ها از پوشش سایر اقوام متمایز می‌گردد. برای درک و فهم بهتر جایگاه پوشش در مسئله هویت‌سازی، باید ابتدا آن لباس را به عناصر تشکیل‌دهنده آن چون نقش، رنگ، بافت، الگو و ... تجزیه و سپس تحلیل نمود. عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده یک لباس، هم سبب شناخت بهتر آن اقوام شده و هم به عنوان شناسه هویتی آن اقوام در جوامع می‌باشد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد «هویت» دارای دو مشخصه بنیادین، تمایز از غیر و تشابه به خود است؛ در برخی موارد جنبه تمایز و در مواردی دیگر جنبه تشابه هویت پررنگ می‌شود. (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲) مفهوم «هویت بصری» (هویت دیداری) نیز براساس ترکیب کلمات آن به آسانی قابل درک است. هویت بصری با مفاهیمی چون وحدت بصری (دیداری) و مانند آن، هم‌پوشانی دارد و دارای صفات دوگانه تشابه و تمایز می‌باشد. تشابه به یک چیز و تمایز از چیزی دیگر است. لازمه وجود هویت بصری در زمینه پوشاک، درجه‌ای از تشابه بین یک پوشش با پوشش‌های دیگر است؛ که از طریق دیدن قابل درک می‌باشد.

برداشت اول از هویت بصری در عرصه پوشاک این است که لباس هر قوم و ملتی هویت خاص خود را دارد و آن پوشش با عناصر خاص خود متمایز از پوشش سایر اقوام می‌باشد. برداشت دوم از هویت بصری در عرصه پوشاک این است که عناصر یک پوشش شبیه یا برگرفته از دیگر پوشش‌ها باشد یعنی به گونه‌ای الگو، نقش، رنگ، بافت و یا شباهتی از پوشش دیگر اقوام را در درون خود دارد، اگرچه صورتی از تمایز نیز در آن نهفته است؛ مانند پوشش سنتی زرتشتیان ایران که از یک طرف با عناصر بصری خاص خود به پوشش سایر اقوام ایرانی شبیه است و از سویی دیگر برخی از تزئینات یا عناصر و نشانه‌های بصری خاص خود را نیز دارد، که خود به وجود آورنده یک هویت بصری درونی در پوشاک آن اقوام می‌شود.

بنابراین «هویت بصری در عرصه پوشاک»، مجموعه عناصر و ویژگی‌هاست که ضمن هماهنگی و ارتباط درونی از جهاتی با ویژگی‌های بصری دیگر پوشش‌ها نیز متمایز می‌گردد. تشابه در هویت بصری در عرصه پوشش ممکن است تداوم یک عنصر بصری در زندگی آن فرد با پیشینه اقلیمی، دینی، اعتقادی یا قومی باشد که در طول زمان شکل گرفته یا وحدتی بصری میان مجموعه اجزای یک پوشش باشد؛ مانند پوشاک کنونی اقوام و مذاهب ساکن در ایران که به لحاظ بصری هم به پیشینه قومی خود متصل‌اند و هم دارای وحدت درونی هستند. وجود این دو مشخصه به تنهایی یا با هم در هویت بصری پوشاک امکان‌پذیر است. بروز یک هویت بصری خاص در عرصه پوشاک اقوام ممکن است یا با رویکرد زیباشناسانه همراه باشد و یا استفاده از رنگ، نقش، بافت و یا الگویی خاص است، که نشانه چیز دیگری

در زندگی آن اقوام می‌باشد. هویت بصری در عرصه پوشاک گاهی اوقات با همگونی مواد و مصالح مصرفی، نقش و رنگ و علائم بصری و ... نمایان می‌شود.

برخی از مشخصه‌های هویت بصری در عرصه پوشاک بدین قرار است:

- در پاره‌ای از موارد، بهره‌گیری از مصالح طبیعی، اقلیمی و بوم‌آورد برای تهیه پارچه و لباس، موجب بروز هویت بصری در پوشش یک منطقه یا یک قوم می‌شود.
- تکرار و تکثیر هماهنگ نقوش بومی و قومی نیز موجب نمود جنبه‌هایی از هویت بصری در پوشش می‌شود.
- عوامل انسانی (بافتند پارچه یا دوزنده لباس) نیز به صورت هدفمند و غیرهدفمند، در آفرینش یک نقش خاص و یا استفاده از جنسی خاص برای لباس، سهمیم هستند.
- عوامل طبیعی، جغرافیا و آب‌وهوای منطقه نیز به صورت هدفمند و غیرهدفمند، در آفرینش یک نقش یا رنگ و یا استفاده از جنسی خاص برای لباس، سهمیم هستند.
- در برخی موارد استفاده از یک الگو یا یک نقش و یا استفاده از یک پارچه خاص در لباس مبتنی بر اقتباس است و اقتباس در آن با بازنمایی آثار گذشتگان و یا به شیوه‌ی استاد شاگردی استمرار می‌یابد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش در دو بخش زیر خلاصه می‌شود:

۱. مقایسه تاثیر هویت ملی و قومی در عرصه پوشاک ایرانیان

لباس به عنوان یک رسانه می‌تواند نقش قابل توجهی در بازنمایی هویت ایرانی داشته باشد. با توجه به مطالب گفته شده، هویت ایرانی در عرصه پوشاک عبارت است از همسانی و تشابه بصری یک پوشش در میان تمام ایرانیان، که تمایز بصری آن از پوشش دیگر کشورها محسوس باشد یا پوششی که عناصر بصری آن، بلافاصله ایرانی بودن را تداعی کند. در واقع هویت بصری ایرانی در عرصه پوشاک، وجود درجه‌ای از همانندی آشکار میان عناصر پوشش و فرهنگ ایرانی است. هویت بصری ایرانی در عرصه پوشاک به دو گونه «هویت بصری پوشش ملی ایرانی» و «هویت بصری پوشش قومی ایرانی» قابل تقسیم است. منظور از هویت بصری پوشش قومی ایرانی، در این تحقیق به کارگیری هدفمند پارچه‌های خاص، نمادها، نشانه‌ها، نقش‌ها، رنگ‌ها، الگوهای خاص و متمایز در پوشش یک قوم خاص است. مانند روسری مکنّا که یادآور پوشش و هویت زرتشتی است. البته هویت بصری-قومی ایرانی در عرصه پوشش، در مقایسه با هویت بصری-ملی پوشش ایرانی، عناصر و ضوابط مشخصی ندارد و از یک قوم به قوم دیگر تغییر می‌کند. هویت بصری پوشش ملی ایرانی، شامل لباس-

هایی با الگوها و نشانه‌های رسمی کشوری است که در تمام ایران، این عناصر مشترک بوده و دارای قواعد و ضوابط خاص خود و نشانه‌های رسمی و مصوب دولتی و ملی و تابع قوانین و ضوابط هویت کشوری در عرصه پوشش هستند، که در تشریفات رسمی کشوری به کار برده می‌شوند. براساس تعاریف گفته شده، هویت بصری ایرانی از منظر پوشش عبارتست از پوششی که درجه‌ای از همانندی و شباهت را با فرهنگ ایرانی داشته و بلافاصله ایرانی‌بودن را تداعی کند و تمایز آن با پوشش دیگر کشورها نیز محسوس باشد و حس و تداعی ایرانی‌بودن کنند. (جدول ۱)

جدول ۱: مقایسه هویت بصری پوشش ملی ایرانی و هویت بصری پوشش قومی ایرانی. مأخذ: نگارنده

هویت بصری پوشش ملی ایرانی	هویت بصری پوشش اقوام ایرانی
داشتن عناصر و ضوابط مشخصی در عرصه پوشش	نداشتن عناصر و ضوابط مشخصی در عرصه پوشش
همسانی و تشابه بصری یک‌پوشش درمیان تمام ایران	عدم همسانی و تشابه بصری در پوشش‌های قومی
دارای ویژگی‌ها و عناصری ثابت با ضوابطی خاص است.	مبتنی بر بازنمایی و بازآفرینی است.
جنبه ملی دارد و از یک قوم به قوم دیگر تغییر نمی‌کند و در تمام ایران مشترک است	جنبه ملی ندارد و از یک قوم به قوم دیگر تغییر می‌کند.
تمامی اقشار جامعه با هر قومیتی آن را بر می‌گزینند	مخصوص تمام اقشار جامعه نیست
داشتن تمایز بصری آن پوشش از پوشش دیگر کشورها	عدم وجود تمایز بصری آن پوشش از پوشش دیگر کشورها به دلیل حضور آن قوم در سایر کشورها
وجود درجه‌ای از همانندی میان عناصر بصری پوشش و فرهنگ ایرانی	وجود همانندی میان عناصر بصری آن پوشش با فرهنگ قومی خود
عدم بروز تفاوت در عناصر بصری پوشش براساس اقلیم، طبقه شهروندی،	تغییر عناصر بصری پوشش براساس اقلیم، طبقه شهروندی، زبان و مذهب و بروز

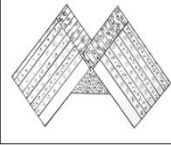

زبان و مذهب	تفاوت‌هایی در لباس و ظاهر افراد
عدم به کارگیری پوشش به عنوان وسیله- ای برای معرفی قومیت خود	به کارگیری پوشش برای معرفی قومیت خود و تمایز از سایر اقشار و قومیت‌های آن جامعه
طراحان و سفارش‌دهندگان در این زمینه محدودند	طراحان یا سفارش‌دهندگان آن بشمارند و به تعداد اقوام و قومیت‌های ساکن در ایران طراحی دارد که هرکدام براساس سلیقه و نیازی خاص آن قوم اقدام به خلق می‌کنند.
در برگیرنده الگوها، نمادها و نشانه‌ها و ویژگی‌های تصویری یا مفاهیم انتزاعی برگرفته از فرهنگ بصری ایرانی و لباس- هایی با الگوها و نشانه‌های رسمی کشوری که در تمام ایران، این عناصر بصری مشترک بوده و دارای قواعد و ضوابط خاص خود و نشانه‌های رسمی و مصوب دولتی و ملی و تابع قوانین و ضوابط هویت بصری کشوری در عرصه پوشش که در تشریفات رسمی کشوری به کار برده می‌شوند.	به کارگیری هدفمند پارچه‌های خاص، نمادها، نشانه‌ها، نقش‌ها، رنگ‌ها، الگوهای خاص و متمایز در پوشش که مختص به یک قوم خاص است.

۲. بررسی عناصر پوشاک زنان زرتشتی ایران و هویت‌سازی از طریق پوشاک

بشر در زندگی اجتماعی خود، به منظور ایجاد ارتباط و رساندن پیام به سایرین از نشانه- هایی استفاده می‌کند که هر کدام، می‌توانند حامل بار ارزشی خاصی برای مخاطب باشند. پوشش نیز از زبان و رمزگان خاص خود سود می‌جوید و از راه مجموعه علائم فرهنگی خود، نظامی ارتباطی و فرهنگی را به منظور القای هویتی خاص و جمعی، در میان مردم جامعه برقرار می‌کند که رمزگشایی از این علائم پوشاک، مستلزم شناخت مذهبی، قومی و فرهنگی آن گروه می‌باشد. مجموعه این رمزگان پوشش را که عناصر بصری پوشاک است و با آن سخن می‌گوید «زبان پوشاک» می‌نامند، که زبانی فصیح و رسا، برای پیام‌رسانی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است و نهایتاً منجر به «هویت‌سازی» می‌گردد. پوشاک پیام خود را از طریق زبان و عناصر بصری خاص خود منتقل و بدین‌شکل نقشی فرهنگی پیدا می‌کند. همچنین پوشش هر قوم و ملتی دارای عناصر ویژه‌ای است که از طریق نقوش، بافت و رنگ

پارچه لباس‌ها و ترکیب‌بندی این اجزا با هم شناخته شده و از پوشش سایر اقوام متمایز می‌گردد. پوشاک از ابزارهای مؤثر در هویت‌سازی است و هر یک از تن‌پوش‌ها و زیورالات با عناصر خاص خود، مفاهیمی را در جامعه بیان و از احوال پوشنده خود خبر داده و جایگاه، مقام، طبقه اجتماعی، باورهای دینی-مذهبی و قومیت آن فرد را بازگو می‌کنند. البته آنچه در مجموعه پوشاک یک گروه اجتماعی یا یک قوم یا اقلیت مذهبی اهمیت دارد، مجموعه اعتقادات و الگوهایی است که آن قوم سالیان سال و نسل به نسل در انتخاب مواد، رنگ، نقش، جنس، قد و اندازه و اسلوب دوخت آن پوشش به کار برده و نسبت بدان تعهد داشته‌اند و دیگری نقش و جایگاهی است که آن پوشش در فعالیتهای فرهنگی، اعتقادی، دینی، مراسم و مناسک مذهبی و ... ایفا نموده و مجموع این دو مورد است که در کنار هم سبب «هویت‌سازی قومی» و در سطح بزرگ‌تر «هویت‌سازی ملی» از طریق پوشاک را رقم می‌زند و از همین جاست که پوشندگان این نوع لباس‌ها در جامعه از سایرین متمایز می‌گردند و بدین شکل عناصر بصری لباس وسیله‌ای می‌شود برای بیان «هویت بصری قومی» و «هویت بصری ملی». (جدول ۲)

توضیحات	مشخصات بصری پوشش	فرم و طرح خطی (الگو)	تصویر	
اولین جز سربند دارای بند نقش دوزی شده دارای تزیینات	جنس: زری یا مخمل رنگ: الوان شکل: نیم دایره			کلاهک
اولین جز سربند دارای بند نقش دوزی شده دارای تزیینات	جنس: زری یا مخمل رنگ: الوان شکل: مثلثی			لچک
دومین جز سربند دارای ریشه دوزی طرح دار چادر زرتشتی	جنس: نخ رنگ: الوان شکل: مستطیل ابعاد: ۳/۵ در ۱			روسری (مکنا)
سومین جز سربند طرح دار	جنس: کلاغی رنگ: الوان شکل: مربع			چارقد
آستین کوتاه قد کوتاه ۹ پاره پارچه	جنس: کتان رنگ: سفید			زیرپیرا هن (سدره)
آستین بلند آستر دار تکه پارچه های باریک عمودی رنگارنگ	جنس: محدودیتی ندارد رنگ: الوان			پیراهن (خمی س)

در کمر و میچ لیفه‌ای تشکیل شده از تکه پارچه‌های باریک عمودی رنگارنگ	جنس: کتان و پنبه رنگ: الوان			شلوار
باریک شامل ۷۲ نخ	جنس: پشم گوسفند رنگ: سفید			کمر بند (کشتی) (

جدول ۲: پوشاک زنان زرتشتی. مأخذ: نگارنده

نتیجه‌گیری

هویت ملی مربوط به تمامی افرادی است که در یک کشور زندگی می‌کنند و هویت قومی مربوط به اقلیت‌هایی است که در کنار اکثریت جامعه زندگی مصالمت‌آمیزی دارند، اما داشتن هویت قومی به معنای انکار هویت ملی نمی‌باشد. در واقع کسانی که دارای هویت قومی هستند و از سبک پوشش، زبان و مذهب خاصی برخوردارند سعی در رعایت موازینی دارند که آنان را زیر پرچم هویت و پوششی ملی نیز معرفی می‌کند. در میان اقلیت‌های مذهبی ایران چون دین مشترک وجود دارد، لباس آنان تحت تاثیر دینی قرار گرفته؛ زیرا دین فرهنگ پوشش ایجاد می‌کند. زرتشتیان ایران جامعه بزرگی از اقلیت‌های مذهبی ایران هستند که در مقابل مسلمانان، اقلیت دینی محسوب می‌شوند. به دلیل وجود دین، دارای قوم‌گرایی خاص مذهبی بوده و «هویتی قومی زرتشتی» دارند، اما به دلیل ایرانی بودن، دارای «هویت ملی ایرانی» نیز هستند. زرتشتی بودن برای آنان فرهنگ پوششی خاص مذهبی ایجاد کرده که این پوشش برای آنان معرف هویتی قومی-مذهبی‌شان است. در واقع پوشاک اقلیت‌های هر جامعه با داشتن عناصر بصری متفاوت سبب هویت‌سازی قومی در درون آن جوامع می‌شود، اما در خارج از آن جوامع قومی، همان پوشش با ایجاد تمایز با پوشش سایر ایرانیان، هویت ملی را به چالش می‌کشد. البته اقلیت‌های مذهبی ساکن در ایران پس از سال‌ها زندگی در جوار مسلمانان و بر اثر تاثیرپذیری از آنان، با رعایت برخی موازین دین اسلام در زمینه پوشش، چون حفظ حجاب و استفاده از سربند به گونه‌ای پوشش خود را با پوشش اسلامی ایران همسو ساخته‌اند. اما از آنجایی که دین زرتشت از ادیان آسمانی می‌باشد پوششی که در میان آنان رواج دارد پوششی است که رعایت حجاب و پوشاندگی و استفاده از لباس‌های مناسب از ارکان دینی آنان نیز محسوب می‌گردد. در واقع داشتن هویت و لباس قومی زرتشتی دلیلی بر انکار و عدم پذیرش هویت و پوشش ملی ایرانی ندارد و آنان نسبت به تمامی چیزهایی که آنان را به

عنوان یک ایرانی معرفی می‌کند تعصب دارند. در واقع می‌توان دارای هویت قومی بود اما به پوشش ملی آن کشور را نیز پای‌بند بود. در واقع هویت ملی در عرصه پوشاک زنان در ایران، به شکل حجاب در آمده و تمامی اقوام مذهبی ساکن در ایران سعی در تطبیق و هماهنگی پوشاک قومی خود با مقوله حجاب و موازین پوششی ملی ایران نموده‌اند. البته مورد دیگری نیز وجود دارد و این است که زرتشتیان زمانی که در مراسم‌های آئینی و مذهبی خود هستند طبق هویت قومیشان، لباس می‌پوشند و زمانی که در زندگی روزمره در حال کار و تحصیل و ... هستند، بدون در نظر گرفتن مذهب خود، به عنوان یک ایرانی در جامعه حضور یافته و طبق ارکان هویت ملی ایرانی خود لباس رسمی کشور را به تن می‌کنند و این دو نوع پوشش به هیچ وجه در تضاد با هم نیستند و به عنوان دو پوشش مکمل در زندگی یک زرتشتی استفاده می‌شوند.

منابع:

- آشتیانی، علی محمد (۱۳۷۳). حجاب در ادیان الهی، تهران: نشر اشراق.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۹). دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
- احمدی، حمید (۱۳۹۹). قومیت و قومگرایی در ایران از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.
- الطایبی، علی (۱۳۸۲). بحران هویت قومی در ایران، تهران: شادگان.
- چوکسی، جمشید گرشاسب (۱۳۸۱). ستیز و سازش، زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب، ترجمه نادر سعیدی، تهران: ققنوس.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۳). زمینه فرهنگ شناسی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ضیاپور، جلیل (۱۳۴۶). پوشاک ایل‌ها، چادرنشینان و روستائیان ایران، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- گل محمدی، احمد (1381). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران نشر نی.
- متین، پیمان (۱۳۸۳). پوشاک ایرانیان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- محمدی، رامونا (۱۳۹۶). پوشاک محلی اقوام ایرانی، تهران: ناشر مولف.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳). گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران: گفتگو با محمود روح‌الامینی با عنوان مفهوم‌شناسی هویت ملی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- نیکنام، کورش (۱۳۹۲). آیین‌ها و مراسم سنتی زرتشتیان ایران، تهران: فروهر.

- یارشاطر، احسان و گروه نویسندگان(۱۳۸۲). دانشنامه ایرانیکا پوشاک در ایران زمین، ترجمه پیمان متین: با مقدمه علی بلوکباشی، تهران: امیرکبیر.
- دانشور، سیمین؛ بهنام، عیسی(۱۳۷۶). «لباس زرتشتیان ایران»، مجله نقش و نگار. انتشارات اداره کل هنرهای زیبای کشور. تک شماره. ص ۱۶-۱۸.
- رضایی، احمد؛ ریاحی، محمد اسماعیل؛ سخاوتی، نورمحمد(۱۳۸۶). «گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن های ایران». فصلنامه مطالعات ملی. سال هشتم. شماره ۴. ص ۱۳۲-۱۳۵.
- صادقی، زهرا؛ نجفی، اذین(۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی پوشش محلی مردم هرمزگان با زرتشتیان». مجله پژوهش های معاصر در علوم و تحقیقات. سال دوم. شماره ۱۲. ص ۱-۱۴.
- قنبری، علی؛ جعفرزاده پور، فروزنده(۱۳۹۰). «قدرت هویت ملی در میان ایرانیان». فصلنامه مطالعات ملی. ۴۸. سال دوازدهم. شماره ۴. ص ۱۰-۱۲.
- متین، پیمان(۱۳۸۳). «پوشاک و هویت قومی و ملی». فصلنامه مطالعات ملی. ۱۹. سال پنجم. شماره ۳. ص ۱۱-۱۴.
- مزدپور، کتابون(۱۳۸۳). «تداوم آداب کهن در رسم های معاصر زرتشتیان در ایران». فصلنامه فرهنگ. شماره ۴۹ و ۵۰. ص ۱۴۷-۱۷۹.
- نمیرانیان، پروا(۱۳۹۱). «پوشش سنتی زنان زرتشتی». فصلنامه فروهر. سال ۴۶. شماره ۴۵۳. ص ۸-۱۳.
- Forney, Judith Anne Cardona(2019). An investigation of the relationship between dress and appearance and retention of ethnic identity, London: Purdue University Press Journals
- M.E.Hume-Griffith(1909). Behind the Veil in Persia and Turkish Arabia, London: Seeley&Co.Itd.
- Unvala, Jamshedji Maneckji(1951). Preliminary Report On An Old Dakhma Of Yazd. Bombay.
- Ellen Roach-Higgins, Mary; B. Eicher, Joanne(1992). " Identity,Social Structures, And Dress". From Clothing and Textiles Research Journal. Reprinted by permission of The International Textile and Apparel Association. Vol.10No.4:pp.1-8.
- Jin, Byounggho(2017). " Predictors of purchase Bong Ko, Seung; intention toward green apparel products: A cross-cultural investigation in the USA and China". Journal of Fashion Marketing and Management. Vol.21 No.1: pp.70-87.
- Britishmuseum.org
- Trc-leiden.nl